



معاونت آموزش متوسطه

کارشناسی تکنولوژی و گروه های آموزشی

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دوره اول متوسطه

نگارش پایه هشتم

درس هشتم (دگرگونه بینیم و گونه گون بنویسیم)

مدرس: ولی کیانی پور

سال تحصیلی:

۱۳۹۹ - ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نگارش پایه هشتم

درس هشتم:

دگرگونه ببینیم و گونه گون بنویسیم

چکیده درس هشتم:

یکی دیگر از راه‌های توانمند سازی ذهن و زبان هنگام نویسندگی، ایجاد فرصت بیشتر برای فکر کردن است؛ اندیشیدن درباره یک چیز، راه‌های فراوانی را در ذهن، نسبت به شناخت بهتر آن، پدید می‌آورد.

وقتی زمان کافی برای اندیشیدن درباره یک موضوع داشته باشیم و از دیدگاه‌ها و دریچه‌های مختلف به یک موضوع، نگاه کنیم، جنبه‌ها و کارکردهای گوناگون یک پدیده را در نظر می‌گیریم. اگر بخواهیم درباره «گل» چیزی بنویسیم، از زاویه‌های متفاوت می‌توانیم به آن نگاه کنیم و هربار، مطالب تازه‌ای بنویسیم. مثلاً در نوشته صفحه بعد، نویسنده «گل» را از نگاه شاعران، دانشمندان، طبیبان، صنعتگران و قالی بافان، و حتی از چشم عقل، دیده و نوشته است:

شاعران	گل
نویسندگان	
طبیبان	
صنعتگران	
باغبان	
؟	

« بعید است در عالم طبیعت ، چیزی زیباتر و خوب تر از گل وجود داشته باشد... شاعران در گل هزاران مضمون نغز و معنای لطیف یافته‌اند و برای آن مضامین هزاران بیت زیبا سروده‌اند. لاله‌سرخ رنگی که در بهاران دل خاک تیره را می‌شکافد و مانند آتشی زبانه می‌کشد، ما را به یاد شهیدان می‌اندازد که پرده سیاه ظلم را با خون سرخ خویش شکافته‌اند.

دانشمندان نیز از گل هزاران قاعده و قانون علمی شناخته‌اند. آنان از گل، یک جهان دانش آموخته‌اند و دریافته‌اند که گل، تنها یک نقاشی رنگارنگ نیست!

طیبیان به صورت‌های مختلف، داروی دردهای گوناگون را در گل، جُسته‌اند و یافته‌اند. از نظر آنان هر گلی، داروی دردی را در خود دارد. گل عطاری است که به شیوة عطاران قدیم، هم عطرقروش است و هم داروقروش!

صنعتگران نیز از گل، سودهایی برند: رنگ‌رزان رنگ‌های لطیف و پرمایة گل را در صنعت خویش به کار می‌گیرند و قالی‌باقان با الهام از شکل‌ها و ترکیب‌های گل، طرح‌های دلپسند بسیاری در می‌افکنند. گلاب‌گیران نیز رونق بازارشان از برکت بوی دل‌انگیز گل است.

تاکنون فایده گل را برای شاعران و عالمان و طیبیان و صنعتگران برشمرده‌ایم. اکنون هنگام آن است که بیرسیم عقل از گل چه سودی می‌برد؟

اگر گل و گلزار را با چشم عقل تماشا کنیم، جز حکمت و تدبیر، چیزی نمی‌بینیم. به راستی آن هنرمند نقاش و حکیم ریاضیدان که مهندسی گل را برعهده داشته، کیست؟

آن کیست که در گل این همه زیبایی و لطف و خاصیت را قرار داده است؟

آن کیست که گُل را از گِل، بیرون کشیده و از خاک تیره و خشن، محصولی این‌چنین رنگین و لطیف و معطر پدید آورده است؟

گل، قطره‌ای از دریای بیکرانه جلال و جمال الهی است که گویی از آسمان به زمین، چکیده است.»

◆ (غلامعلی حدّاد عادل، فارسی و آیین نگارش، سال اوّل دبیرستان، ۱۳۶۶)

اگر بخواهیم، از روزنه چشم هر کدام از این افراد به گل بنگریم و نوشته‌ای متناسب با طرز فکر آن بیافرینیم، شاید نوشته‌هایی شبیه نوشته‌های صفحه بعد پدید آید:

♦ از نگاه «شاعر»:

غنچه با دل گرفته گفت: / زندگی لب ز خنده بستن است / گوشه‌ای درون خود نشستن است

گل به خنده گفت: / زندگی شکفتن است / با زبان سبز، راز گفتن است...

♦ امین پور

♦ از نگاه «گیاه‌شناس»:

گیاه از طریق ریشه و برگ‌ها تغذیه می‌کند. ریشه‌هایی که در عمق نمناک خاک فرورفته‌اند و برگ‌هایی که مثل یک صفحه پهن، نور خورشید را جذب می‌کنند...

♦ از نگاه «طیب»:

گل سراسر درمان است. از بوی گل گرفته تا ریشه و ساقه و برگ و حتی خار گل هم درمانگرند. تا روی شاخه است، هوا را معطر دلپذیر می‌کند و شادی و شادایی می‌بخشد. وقتی چیده شد، دارویی مفید می‌شود برای بیماران. عصاره یا افشردۀ گل سرخ تقویت‌کننده قلب است...

♦ از نگاه «صنعتگر»:

صنعت گلاب‌گیری از دیرباز در ایران متداول بوده است. کاشان، بیش از هر جای دیگر در ایران با گل و گلاب عجین است. حتی در این شهر جشن گلاب برپا می‌شود و...

♦ از نگاه «باغبان»:

من نتیجه زحمت‌ها و تلاش‌های خود را در همین گل‌های رنگارنگ می‌بینم. این همه کوشش، وقتی به شکفتگی غنچه‌ها می‌انجامد، خوشحال می‌شوم. گل‌ها و بوته‌ها مثل فرزندان من هستند...

معلم، نموداری روی تخته کشید و گفت: «اکنون از شما دانش‌آموزان می‌خواهم، بگویید از چه زاویه‌هایی می‌توان به «کفش» نگاه کرد».



فعّالیت های نگارشی درس هفتم

« فعّالیت شماره ۱ »

دو شخصیت پدر و پسر، هر کدام از دیدگاه و
منظر خود به قضیه نگاه می کنند، پدر از دیدگاه
ثروت و دارایی مادی، پسر از منظر آرامش و
وسعت نظر و استفاده از طبیعت.

متن زیر را بخوانید و تفاوت نگاه دو شخصیت
(پدر و پسر) را بنویسید.

یک بار پدر بسیار ثروتمندی پسرش را به روستایی برد تا او را با شیوة زندگی
افراد آنجا آشنا سازد. آنان دو شبانه روز در مزرعة خانواده تهیدست و فقیری به
سر بردند.

در راه برگشت، پدر از پسر پرسید: سفر چگونه بود؟

پسر گفت: عالی بود، پدر.

پدر گفت: زندگی مردم فقیر را دیدی؟

پسر گفت: آری. پدر عزیزم.

پدر پرسید: از آنان، چه آموختی؟

پسر گفت: ما گوسفند نداریم؛ ولی آنان چند گوسفند دارند. حوض خانه ما تا
وسط باغ کشیده شده اما رودخانه آنان بی پایان است. سراسر باغ ما را چراغ ها
روشن می کنند. ولی شب های آنان را ستاره ها روشن می کنند. ما قطعه زمین
کوچکی برای زندگی داریم. ولی کشتزار آنان بسیار گسترده است. ما تمام
غذایمان را می خریم؛ آنان بیشتر نیازهای غذایی را خودشان پرورش می دهند...
با شنیدن حرف های فرزند، پدر سرش را به زیر انداخت و خاشوش شد.

پسر افزود: پدر جان! از شما سپاسگزارم که به من نشان دادی. ما چقدر فقیریم.

(دیوالمستبیت، مترجم: الهام مژدب، با تغییر و بازنویسی)

« فعالیت شماره ۳ »



یکی از نوشته های تمرین قبل را براساس معیارهای زیر، ارزیابی کنید.

سنجه های ارزیابی:

- (۱) داشتن پیش نویس؛
- (۲) داشتن پاک نویس
(رعایت نشانه های نگارشی، نداشتن غلط املائی،
توجه به درست نویسی و حاشیه گذاری)؛
- (۳) رعایت طبقه بندی ذهن و نوشته
(آغاز، میانه و پایان)؛
- (۴) نگاه تازه و دگرگونه به موضوع؛
- (۵) شیوه خواندن.

« فعالیت شماره ۲ »



یکی از خوشه های نمودار زیر را انتخاب کنید و از نگاه او، متنی درباره «تأمین اجتماعی» بنویسید.



درست نویسی

* آرش، تیری بيفکند و پرچم پیروزی ایرانیان را برفراز کوه، بيفراشت.

* آرش، تیری بافکند و پرچم پیروزی ایرانیان را برفراز کوه، بافراشت.

شیوه نوشتاری جمله اول، درست است. زیرا در نوشتار معیار امروز، هرگاه حرف‌های «ب،

ن، م» بر سر فعل‌هایی قرار بگیرند که با نشانه همزه «ا» آغاز شده باشند، هنگام نوشتار،

حرف «ی» جانشین همزه می‌شود.

مانند:

انداز ← **بینداز**

انگیخت ← **بینگیخت**

افروخت ← **ببفروخت**

* جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

* با تلاش فراوان می‌توانستند، علوم بسیاری باندوزند. ← **بیندوزند**

* هرگز، فرصت امروزت را به فردا، مافکن. ← **میفکن**

حکایت نگاری

حکایت زیر را بخوانید و بازنویسی کنید.
حکایت:

به روزگار انوشیروان، روزی وزیرش، بزرگمهر، نزد وی آمد. انوشیروان گفت: ای وزیر، همه چیز در عالم، تو دانی؟
بزرگمهر، خجل شد و گفت: نه، ای پادشاه.
انوشیروان گفت: همه چیز، پس که داند؟
بزرگمهر گفت: همه چیز، همگان دانند و همگان هنوز از مادر نزاده‌اند.

(قابوس نامه)

متن بازنویسی شده دانش آموز

نیایش

الهی !

الهی، به سوی تو آمدم، به حقّ خودت مرا به من برمگردان!
الهی، کامم را به حلاوت تلاوتِ کلامت، شیرین بدار!
الهی، وای بر من اگر دلی از من برنجد!
الهی، تو را دارم چه کم دارم، پس چه غم دارم.
الهی، به قدر معرفتم تو را پرستش می‌کنم، در راهم، راهم ده!
الهی، ناتوانم و در راهم و گردنه‌های سخت در پیش است و
رهزن‌های بسیار در کمین و بارِ گران بر دوش. یا هادی «إِهْدِنَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ...»

الهی، رویم را نیکوکردی، خویم را هم نیکو گردان!
الهی، شکرت که زنگ تفریح من، گشت و گذار در کتب و آثار
علمی و تماشای آنهاست.
الهی، همه تو را خوانند: قُمَری به قوقو، پوپک به پوپو، فاخته به
کوکو، و من به هوهو.
الهی، حقّ محمّد و آل محمّد، بر ما عظیم است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مَحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ!»

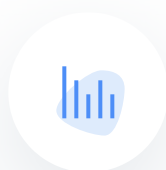
♦ الهی نامه، حسن زاده آملی

آرامش و شادکامی بهره شما باد!



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد